

فصلنامه لسان مبین (پژوهش ادب عربی)

(علمی - پژوهشی)

سال ششم، دوره جدید، شماره هفدهم، پاییز ۱۳۹۳، ص ۳۱-۱

بررسی مضامین عاشورایی شعر شریف مرتضی *

رضا افخمی عقدا

استادیار دانشگاه یزد

وصال میمندی

استادیار دانشگاه یزد

محسن زمانی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب دانشگاه یزد

چکیده

یکی از بارزترین موضوعات و مضامین شعر آیینی شیعه، رخداد عاشورا و حوادث و پیامدهای آن است که این حادثه از آغاز وقوع دست‌مایه شعرا، بویژه شاعران شیعی گردید. سید مرتضی به عنوان عالمی شاعر از جمله اندیشمندان عصر عباسی است که در شعر خود، جنبه‌های مختلف این رخداد سرنوشت ساز را به تصویر کشیده است. این پژوهش سعی کرده است با بررسی نمونه‌هایی از اشعار عاشورایی سید مرتضی، علاوه بر بیان جنبه‌های ادبی و بلاغی این اشعار آنها را از نظر محتوا و مضمون تحلیل کند. تأمل در سروده‌های این ادیب فقیه بیان‌کننده آن است که وی واقعه عاشورا را فقط از جنبه عاطفی و برای برانگیختن احساسات مخاطب محور اشعار خود قرار نداده است؛ بلکه علاوه بر ذکر بعد عاطفی به بیان مسائلی همچون مقام اهل بیت، جایگاه حادثه عاشورا در تاریخ بویژه تاریخ اسلام، عوامل وقوع این واقعه، مظلومیت اهل بیت، و اثبات حقانیت امام حسین (ع) و اهل بیت پرداخته است.

کلمات کلیدی: شریف مرتضی، اهل بیت، عاشورا، شعر آیینی شیعه.

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۰۲/۲۹

* - تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱۰/۱۵

نشانی پست الکترونیکی نویسنده: afkhami@yazd.ac.ir

۱. مقدمه

۱-۱ تعریف مسأله

جایگاه «شعر عاشورا» در شعر عربی به شکل عام و در شعر شیعی به شکل خاص، همچون نگینی درخشان در حلقه ادبیات منثور و منظوم است. ورود حماسه کربلا به عرصه شعر و ادب، یکی از عوامل ماندگاری و پایداری آن نهضت است؛ چرا که قالب نافذ و تأثیرگذار شعر و مرثیه، میان دل‌ها و عواطف از یک سو و حادثه عاشورا از سوی دیگر پیوند زده و احساسات شیفتگان را به آن واقعه انسان ساز وصل کرده و باعث غنا و اعتلای اشعار و مرثیه گردیده است. امری که از دیر باز؛ یعنی از نخستین روزهای پس از این حادثه شروع شد و مورد تشویق اهل بیت قرار گرفت.

مرثیه از محورهای عمده سروده‌های شاعران شیعی و علاقه‌مند به خاندان نبوت به شمار آمده و می‌آید. شاعران عاشورایی، احساس خویش را نسبت به آن حماسه در قالب شعر، بیان داشته‌اند که از این طریق، بخشی از ادبیات غنی شیعه در زبان‌های مختلف شکل می‌گیرد. در زبان عربی نیز از همان آغاز، این ماجرا به شعر راه یافت و بازماندگان شهدا از اهل بیت^(ع) و دیگران، به سرودن مرثیه پرداختند. (محدثی، ۱۳۷۶ش: ۲۵۲) شاعران شیعه در تمام دوره‌ها با اشاره به واقعه عاشورا، ادبیاتی متمایز خلق کرده‌اند و در پرتو این تلاش، گفتارهای زیبا را با محوریت عشق، فداکاری و ایثار، نشانه خاص این حادثه در متون ادبی عربی قرار داده‌اند.

اولین اشعار عاشورایی در ادبیات عرب در فضای خفقان عصر اموی و عباسی سروده شد و سراینده‌گان آن با بیم جان در رثای امام حسین^(ع) شعر می‌سرودند. شاعرانی نظیر «کمیت» (متوفی ۱۲۶هـ) در دوره اموی و «سید اسماعیل حمیری» (متوفی ۱۷۳هـ)، «منصور نمری» (متوفی ۱۹۳هـ) و «عبدی کوفی» (متوفی ۱۷۸هـ) در دوره عباسی، در فضایی رعب‌انگیز و هراس‌آور چکامه‌ها و غزلیاتی ارزنده در خصوص واقعه عاشورا سرودند و عاملان این حادثه را به باد انتقاد و هجو گرفتند.

شایان ذکر است که بسان دیگر موضوعات و اغراض شعری، سبک شاعران در سرودن شعر عاشورا با یکدیگر متفاوت بوده است. برخی در قالب مرثیه‌هایی سوزناک، برانگیختن عواطف را مطمح نظر داشته و بیشتر به جنبه‌های عاطفی و روانی این نهضت پرداخته‌اند، گروهی بسان مقتل نویسی و واقعه نگاری به ثبت قضایا در قالب شعر همت گماشته‌اند. جمعی

بویژه شاعران متأخر و معاصر، اعم از عرب و غیر عرب، در سروده‌های خویش، نسبت به عزاداری و گریه صرف، راه انتقاد در پیش گرفته و عاشورا را از زاویهٔ حماسی و انقلابی آن نگریسته و مطرح ساخته‌اند تا الگویی برای مبارزه با ستم و ستمگران و دفاع از حق و عدل و انسانیت و آزادگی باشد. شعر عاشورایی سید مرتضی (م. ۱۳۶۰ هـ) را می‌توان از جمله اشعاری دانست که در آن ابعاد مختلف این حادثه اعم از اعتقادی، اجتماعی، حماسی و عاطفی مورد توجه شاعر بوده و نظر به مقام علمی وی شعر او از غنای کامل برخوردار است.

ما در این مقاله با بررسی اشعار عاشورایی سید مرتضی، به دنبال یافتن زاویه دید شاعر و رویکرد وی به عنوان یکی از زعمای شیعه در تاریخ تشیع، نسبت به این واقعه سرنوشت ساز هستیم؛ زیرا - همانگونه که اشاره شد - وی به این رویداد از دو جنبهٔ عاطفی و عقلانی یا بهتر بگوییم احساسی و اعتقادی نگاه می‌کند. شعر وی آنجا که صبغهٔ عاطفی و احساسی دارد؛ با استفاده از فنون مختلف بیانی اعم از تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه و همچنین صنایع بدیعی به خلق تصاویری زیبا، دردناک و حزن‌انگیز می‌پردازد و آنجا که بیان باورها و اعتقادات را وجهه همت خود قرار داده، با بهره‌گیری از آیات و روایات معصومان^(ع)؛ متقن و مستدل سخن می‌گوید.

در بررسی اشعار سید مرتضی نکتهٔ قابل توجه، قرار گرفتن اهل بیت^(ع) در کنار امام حسین^(ع) و اهتمام شاعر به جایگاه والای خاندان عصمت و طهارت است؛ بگونه‌ای که شاعر در مرثی خود نسبت به امام حسین و یارانش، به نکاتی همچون ظلم به پیامبر^(ص) و اهل بیت^(ع)، غصب حق آنان و نقش هدایتگری آنان در تمامی قصاید خود اعم از اشعار عاشورایی و غیر عاشورایی اشاره می‌کند. از این رو، در این پژوهش به جایگاه اهل بیت^(ع) در شعر عاشورایی سید مرتضی نیز به صورت جداگانه پرداخته می‌شود. وی در اشعار عاشورایی خود به بیان و ترویج آرمانهای انسانی و اسلامی؛ همانند ظلم ستیزی و عدالت محوری و اندیشه‌های انقلابی تشیع می‌پردازد. در این جستار برای بررسی بهتر، موضوعاتی را که سید در اشعار عاشورایی خود - ۱۲ قصیده در رثای امام حسین^(ع) و یارانش - آورده، تفکیک کرده و با روش تحلیلی - توصیفی به بررسی آنها همراه با آوردن نمونهٔ شعری، پرداخته شده است.

۲-۱ پیشینه بحث

شهرت علمی سید مرتضی در مراکز علمی بیشتر به آثار و دیدگاه‌های وی در زمینه‌های فقه و اصول و کلام برمی‌گردد و اغلب تحقیقات انجام شده در این بُعد از حیات علمی وی صورت گرفته است؛ اما در مورد شخصیت ادبی او غیر از اشاراتی مختصر در کتب قدیم؛ مانند *یتیم‌الدهر* (۱۹۸۳م)، *الکامل* (۱۳۸۷ق)، *اعیان‌الشیعه* (۱۹۸۳م)، *الذریعه* (۱۴۰۳ق) و *الغدیر* (۱۳۶۹ش) کاری چشمگیر انجام نشده است. در دهه‌های اخیر «عبدالرزاق محی‌الدین» در کتاب خود با نام «ادب المرتضی من سیرته و آثاره» (۱۹۵۷م) به بررسی زندگی ادبی و بیان خصایص ادبی و شعری وی می‌پردازد، که این اثر هم اشاره‌ای کلی و مجمل به جنبه ادبی سید مرتضی دارد.

در ادبیات فارسی قاسم مختاری در کتاب «میراث ماندگار ادب شیعی» (۱۳۸۴ش) اشاره‌ای مختصر به ابیات سید در مدح اهل بیت کرده و اشاره‌ای خاص به اشعار عاشورایی وی نکرده است و علاوه بر این پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «بررسی غزلیات سید مرتضی» (۱۳۹۱ش) در دانشگاه تهران نگاشته شده که هیچ اشاره‌ای به شعر عاشورایی سید نکرده است. درباره بازتاب واقعه عاشورا در اشعار شاعران شیعی - چه عرب و چه عجم - کارهایی بسیار انجام گرفته است؛ اما از آنجا که بُعد ادبی زندگی شریف مرتضی ناشناخته مانده، بالتبع تحقیقی خاص و مفصل، در باب شعر عاشورایی وی نگاشته نشده است، البته به جز اشاراتی که «علامه امینی» در «الغدیر» به برخی از اشعار سید در مدح و منقبت اهل بیت^(ع) دارد که در آن فقط به ذکر ابیات بسنده شده است و از شعر عاشورایی وی سخنی به میان نیامده است.

۲. شریف مرتضی

سیدمرتضی در ماه رجب سال ۳۵۵ هجری در بغداد از اصل و نسبی علوی متولد شد. نام کامل وی ابوالقاسم علی بن احمد بن حسین بن موسی موسوی معروف به سید مرتضی و شریف مرتضی است. از جمله دیگر القاب وی ذوالمجدین، ذوالثمانین، ابوالثمانین، الأجل الطاهر و علم الهدی است. (امینی، ۱۳۶۹ش: ج ۴: ۲۷۶) در میان این القاب، وی به «علم الهدی» بیشتر مشهور شده است. او به همراه برادرش سیدرضی تحصیلات خود را در زادگاهش آغاز کرد و از استادانی چون ابن نباته (ت. ۳۷۴) و شیخ مفید^(ره) زبان عربی، علوم دینی و مذهبی را فرا گرفت. (آقا بزرگ طهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۳ و امین، ۱۹۸۳م، ج ۱۰: ۲۴)

علم‌الهدی بزرگ‌ترین شخصیت شیعه در نیمهٔ دوم قرن چهارم و نیمهٔ اول قرن پنجم هجری در علم فقه، کلام، ادبیات، شعر و لغت و دانش‌های دیگر بود؛ فقیهی که پیشوایی امامیه در آن دوران به او رسید و در علم کلام و فقه اسلامی و همچنین در علم نجوم شهرت بسزایی یافت. وی علاوه بر کتابهای بی‌شماری که در فقه و کلام دارد، آثاری ارزشمند هم در زمینهٔ ادبی از خود برجای گذاشته که می‌توان به «الغرر الفوائد و الدرر القلائد» معروف به امالی سید مرتضی و «شرح قصیده سید حمیری» اشاره نمود. سرانجام وی در ۲۵ ربیع‌الاول سال ۴۳۶ هجری درگذشت. (ابن خلکان، ۱۹۹۷م، ج ۳: ۳۱۳)

۳. مهم‌ترین موضوعات اشعار عاشورایی سید مرتضی

۱-۳ اهل بیت

بارزترین موضوع در شعر شیعی پرداختن به مسألهٔ امامت اهل بیت علیهم السلام و زعامت خاندان عصمت است که شعر شیعی در پی احیای نام و فضایل آنان و بازگو کردن مظلومیت خاندان پیامبر بوده و افشای جنایت ظالمان نسبت به دودمان پاک رسول خدا را هدف خود قرار داده است. «از این رو، در آیینۀ شعر شیعی و در رواق ادبیات ولایی و آیینی تصویری از پاکی‌ها و فضیلت‌ها و مبارزات حق طلبانه و مظلومیت عترت و جلوه‌های حماسهٔ عاشورا و فرهنگ غدیر دیده می‌شود.» (محلثی، ۱۳۷۶ش: ۳) سید مرتضی در اشعاری که در رثای امام حسین^(ع) و در مورد واقعهٔ عاشورا سروده، به مقام و منزلت و جایگاه اهل بیت اشاره کرده که این امر ناشی از اهتمام وی به مسألهٔ ولایت اهل بیت بوده و دیدگاه سید در این مورد غالباً برگرفته از قرآن و احادیث است. در بررسی ابیاتی که وی در مدح و منقبت ائمه اطهار سروده است - مراد در خلال اشعاری است که در سوگ عاشوراست - نکته قابل توجه؛ اهتمام شاعر به بعد مسئولیت اجتماعی خاندان پیامبر^(ص) است که این امر در موضوعات زیر خلاصه می‌شود:

۱-۱-۳ هدایتگری

در قرآن کریم به نقش اجتماعی اهل بیت به عنوان اولی الامر و هادیانی که ردای امامت و رهبری به تن کرده‌اند، به صراحت تأکید شده است؛ از جمله آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء/۵۹) علاوه بر قرآن، احادیث و روایات نبوی، نظیر دو حدیث مشهور «ثقلین» و «سفینهٔ نوح» بر این امر صحه می‌گذارند و آن را تأیید می‌کنند.

سید مرتضی اهل بیت را مایه هدایت به سوی خدا و بهشت برین می‌داند و آنان را به ستارگانی تشبیه می‌کند که در دل تیرگی‌ها و تاریکی‌ها قطب‌نمای ره گم‌کردگان و هدایتگر حقیقت‌جویان هستند که این سخن برگرفته از این حدیث امام علی^(ع) است: «أَلَا إِنَّ مَثَلَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَثَلِ نُجُومِ السَّمَاءِ، إِذَا خَوَى نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۰) سید مرتضی با توجه به مضمون این حدیث در قصیده همزیه چنین می‌گوید:

أَلَا إِنَّ يَوْمَ الطَّفِّ أَدْمَى حَاجِرًا
وَأَدْوَى قَلْبًا مَا هُنَّ دَوَاءٌ...
فِيَا أُنْجَمًا يُهْدِي إِلَى اللَّهِ نَوَازِمَا
وَأِنْ حَالَ عَنْهَا بِالْغَيْ غَبَاءُ
فَإِنْ يَكُ قَوْمٌ وَصَلَةً لِحَبَّتِمَّ
فَأَنْتُمْ إِلَى خُلْدِ الْجَنَانِ رِشَاءُ^(۱)

(المرتضی، ۱۹۹۷م، ج: ۱، ص: ۲۶)

شاعر در این ابیات با استعاره قراردادن لفظ ستارگان برای اهل بیت، آنان را به منزله ستارگانی می‌داند که در تاریکی‌های جهل و ضلالت هدایتگر رهجویان به سوی خداوند و حق و حقیقت هستند و در مقابل دشمنان را به گرد و غباری تشبیه می‌کند که عاجزانه برای کم فروغ جلوه دادن این نور تلاش می‌کنند. این ابیات به نوعی تداعی‌گر مفهوم آیه «وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (صف/۸) هستند. مضمون بیت آخر هم بسیار به آیاتی نظیر: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» (فتح/۱۷) ترجمه: «و هر کس خدا و پیامبر او را فرمان برد وی را در باغهایی که از زیر [درختان] آن نهرهایی روان است درمی‌آورد.» که در آن اطاعت از امر خدا و رسول را سبب ورود به بهشت می‌داند.

وی در قصیده‌ای دیگر اهل بیت را به عنوان حجّت‌های خدا بر مردم معرفی می‌کند که مردم به وسیله آنان صاحب بینش و بصیرت می‌گردند؛ وی چنین می‌سراید:

أَجَلْ بِأَرْضِ الطَّفِّ عَيْنِيكَ مَا
بَيْنَ أَنَا سِ سُرْبُلُوا الْعَثِيرَا
يَا حُجَّجَ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ
وَمَنْ يَهْمُ أَبْصَرَ مَنْ أَبْصَرَ^(۲)

(المرتضی، ۱۹۹۷م، ج: ۲، ص: ۱۶)

چنین تعبیرهای سید مرتضی از مقام هدایتگری اهل بیت، تا حد زیادی برگرفته از آیات و روایات است. از جمله تشبیه اهل بیت به ستارگان هدایت‌تعبیری است که در احادیث و ادعیه مختلف از آنان تحت عنوان «الأنجُم الظَّاهِرَة» نامبرده شده است؛ از جمله امام علی-علیه السلام- در خطبه چهارم نهج البلاغه به این حقیقت اشاره می‌کند و می‌فرماید: «بِنَا اهْتَدَيْتُمْ فِي الظُّلَمَاءِ وَ تَسْتَنْتُمُ الْعُلِيَاءِ وَ بِنَا انْفَجَرْتُمْ عَنِ السَّرَارِ...» ترجمه: «شما مردم به وسیله ما، از تاریکی‌های جهالت نجات

یافته و هدایت شدید، و به کمک ما، به اوج ترقی رسیدید. صبح سعادت شما با نور ما درخشید...» (نهج البلاغه، خطبهٔ ۴)

۲-۱-۳ مایهٔ قوام هستی

شیعیان بر این باورند که عالم هستی و زمین خدا هیچگاه از واسطهٔ فیض الهی؛ یعنی همان وجود معصوم، خالی نمی‌گردد. این حقیقت در احادیثی فراوان از رسول گرامی اسلام و پیشوایان معصوم- علیهم السلام- در مقام تبیین نقش حجت‌های الهی در نگهداری نظام هستی به ما رسیده است.^(۳) سید مرتضی هم در خلال سروده‌ها و چکامه‌های عاشورایی خود به این موضوع اشاره کرده و این پیشوایان را واسطهٔ فیض الهی و مایهٔ قوام هستی برشمرده، نبود آنان را سبب نابودی عالم هستی می‌داند. وی در جایی دیگر از همان قصیدهٔ همزیه خود چنین آورده است:

إذا لم تكونوا فالحياء منيةٌ و لا خيرَ فيها و البقاء فناءً^(۴)

(المرتضی، ۱۹۷۷م، ج ۱: ۲۷)

و در جای دیگر آنان را برگزیده‌ترین انسان‌های روی زمین معرفی می‌کند و می‌گوید:

إنکم خيرٌ من تكونُ له الخَض راءٌ سقفاً و العاصفاثُ إزارا
و خيارُ الإنسِ لولاكُم في ها تُحلون، من يَكُونُ خياراً؟^(۵)

(همان، ج ۲: ۲۴)

۳-۱-۳ نجات بخشی

با توجه به آیهٔ مودت یکی از اعتقادات راسخ شیعه محبت به خاندان پیامبر^(ص) است. درخصوص این باور چنین می‌خوانیم «دوستی با خاندان گرامی پیامبر، علاوه بر اینکه خود کمالی است بزرگ، سبب می‌شود که انسان با آنان همگون شود، و در کسب فضایل و دوری از رذایل به آنها اقتدا کند. در احادیث متواتر از پیامبر اکرم^(ص) روایت شده است که دوستی اهل بیت آن حضرت، نشانهٔ ایمان، و دشمنی با آنان نیز نشانهٔ کفر و نفاق است. اصولاً محبت خاندان رسالت از ضروریات دین اسلام است که شک و تردیدی در آن روا نیست و همهٔ مسلمانان جز «نواصب» بر آن اتفاق نظر دارند.» (سبحانی، ۱۳۸۹ش: ۱۷۳) سید مرتضی، حب اهل بیت علیهم السلام را دژی محکم و دوستی آنان را مایهٔ نجات می‌داند و با توجه به حدیث مشهور پیامبر چنین می‌گوید:

قَوْمٌ وَلَاؤُهُمْ حَصْنٌ وَوُدُّهُمْ
لِمَنْ أَعَدَّ نَجَاهًا أَوْثَقُ الْعُدَدِ^(۶)
(المرتضی، ۱۹۹۷م، ج ۱: ۴۰۵)

شاعر، دوستی اهل بیت را مایه رستگاری و سعادت و دشمنی با آنان را سبب بدبختی و شقاوت دانسته و بر این باور است که با دوستی و مودت آنان می‌توان به بخشش گناهان و نجات از آتش امیدوار بود که این شاعر اهل بیت در ابیات زیر به این مفاهیم اشاره دارد:

قَدْ جَعَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ كَمَا
عَلِمْتُمْ الْمَبْعَثَ وَ الْمِحْشَرَ
فَإِنْ يَكُنْ ذَنْبٌ فَقُولُوا لِمَنْ
شَفَعَكُمْ فِي الْعَفْوِ أَنْ يَغْفِرَا
إِذَا تَوَلَّيْتُمْ كُمْ صَادِقًا
فَلَيْسَ مِنِّي مَنْكِرٌ مُنْكَرًا^(۷)
(المرتضی، ۱۹۹۷م، ج ۲: ۱۶)

در ابیات فوق، شاعر یکی از اعتقادات شیعه؛ یعنی همان مسأله شفاعت پیامبر و اهل بیت را بیان می‌کند که مفسران در ذیل بسیاری از آیات قرآن بر این امر تأکید ورزیده‌اند؛ از جمله در تفسیر المیزان ذیل آیه ۷۹ سوره اسراء «عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا» مراد از مقام محمود را مقام شفاعت (طباطبایی، ۱۳۷۶ش، ج ۱۳: ۲۳۹) و تفسیر نمونه در ذیل آیه ۳۵ سوره مائده مراد از «وسيله» را اهل بیت اطهار معرفی می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳ش، ج ۴: ۳۶۵-۳۶۶)

شاعر در جایی دیگر حب اهل بیت را راه مستقیم می‌داند و خانه‌های آنان را مهبط جبرئیل و محل نزول و استقرار آیات قرآن می‌خواند:

... يَا آلَ يَاسِينَ وَمَنْ حُبَّهُمْ
مَنْهَجٌ ذَاكَ السُّنَنِ الْأَقْوَمِ
مَهَابُ الْأَمَلَاكِ أَيْبَاتُهُمْ
و مُسْتَقَرُّ الْمَنْزِلِ الْمِحْكَمِ^(۸)
(المرتضی، ۱۹۹۷م، ج ۳: ۳۶۷)

بیشتر مفسران در آیه «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ» (انعام/۱۵۳) منظور از ترکیب «صراط مستقیم» را «اثمه اطهار» دانسته‌اند؛ از جمله محسن قرائتی در ذیل همین آیه به نقل از تفسیر نور الثقلین می‌نویسد: «در روایات می‌خوانیم که مصداق عینی صراط مستقیم رسول خدا و امامان معصوم^(۹) از اهل بیت اوست.» (قرائتی، ۱۳۸۳ش، ج ۳: ۳۸۵) و

اینکه شاعر از محبت اهل بیت به سنت استوار و راه مستقیم تعبیر می‌کند به نوعی بیان‌کنندهٔ این معانی و مفاهیم قرآنی است.

۴-۱-۳ زمام داران راستین

سید مرتضی بسان تمام علمای شیعه حق خلافت را از آن اهل بیت می‌داند و معتقد به غضب حق آنان است. بنابراین در شعر این شاعر به‌ویژه در شعر عاشورایی او به این امر پرداخته شده و شاعر دشمنان ائمه را هم منصف ندانسته است؛ زیرا با وجود اهل بیت، امر خلافت و ولایت بر مسلمین را عهده دار شده‌اند و آنان را از جایگاهی که از طرف خداوند برای هدایت انسان‌ها به آن‌ها اختصاص داده بود، دور کردند؛ به عنوان مثال در سروده‌های زیر از سید مرتضی می‌خوانیم:

... یا آلِ أحمدَ کم ثلوی حقوقکم
لَو کَانَ یُنصِفُکم من لیس یُنصِفُکم
لِیَ الغرائبِ عن نبتِ القرایدِ
أَلقی إِلیکم مُطیعاً بالمقالیدِ.^(۹)

(المرتضی، ۱۹۹۷، ج ۱: ۴۰۱-۴۰۲)

وی معتقد است جامعهٔ زمانی قوام می‌یابد که زمام امور در دست رهبران حقیقی؛ یعنی امامان معصوم باشد؛ چرا که خداوند آن‌ها را شایسته حکومت دیده و به عنوان حجت خود بر زمین برای تمام انسان‌ها و نژادها برگزیده است که این امر ناشی از جهانی بودن اسلام است، او در راستای این باور چنین می‌سراید:

« فَأَنْتُمْ حُجَّةُ رَبِّ الْوَرَى
عَلَى فَصِيحِ النَّطْقِ أَوْ أَعْجَمِ^(۱۰) »
(همان، ج ۳: ۳۶۷)

۵-۱-۳ ظهور منجی

انتظار ظهور منجی یکی از اعتقادات رایج در بیشتر ادیان توحیدی است و به همین سبب پیروزی حق بر باطل یکی از بزرگترین بشارت‌ها و وعده‌هایی است که خداوند در آیاتی متعدد، آن را به اهل حق و حقیقت، نوید داده است؛ از جمله آیه: «وَأَنْتُمْ حُجَّةُ رَبِّ الْوَرَى وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (اسراء/۸۱) که در بعضی از روایات، جملهٔ «جاء الحق و زهق الباطل» به قیام امام مهدی^(عج) تفسیر شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۱۲: ۲۳۵) و در جایی دیگر در خصوص آیندهٔ بشریت و حاکمیت مستضعفان بر زمین می‌خوانیم: «وَأَنْتُمْ حُجَّةُ رَبِّ الْوَرَى وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (قصص/۵) همچنین در

بسیاری از احادیث وارده از معصومان^(ع) نیز، وعده این پیروزی و حکومت حق داده شده است. امام علی -علیه السلام- در این زمینه فرموده‌اند: «لَتَعَطِّقَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ ثَمَاسِهَا عَطْفَ الصَّرُوسِ عَلَى وَلَدِهَا وَ تَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ وَ تُرِيدُ أَنْ تُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَهُمْ أُمَّةً وَ جَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» دنیا پس از سرکشی، به ما (اهل بیت علیهم السلام) روی می‌آورد؛ همچون شتری که از دادن شیر به دوشنده‌اش خودداری می‌کند و برای بچه خود آن را نگه می‌دارد... سپس آیه‌ی وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ... را تلاوت فرمود. (نهج البلاغه، کلمات قصار ۲۰۹)

سید مرتضی هم در موارد بسیاری در اشعار عاشورایی خود به این مسأله اشاره کرده و با تأثیر از کلام خدا و سخن ائمه و بر گرفتن از معارف اسلامی، وعده قیام حضرت مهدی^(عج) و انتقام از ظلم و ستم‌هایی که بر اهل بیت و یارانشان رفته، در اشعار خود انعکاس داده است و بر این باور شیعه تأکید می‌کند که انتقام از غاصبان حق اهل بیت پیامبر به دست امام عصر صورت می‌گیرد.

به نظر می‌رسد سید مرتضی قیام‌هایی که در خونخواهی حادثه عاشورا و شهادت امام حسین^(ع) صورت گرفته، همانند قیام توابین، مختار و یحیی، به عنوان انتقام از واقعه عاشورا نمی‌داند، بلکه آن را مجازات کفار می‌داند؛ چرا که در اعتقاد شیعه و سید مرتضی منتقم واقعی کسی است که حق اهل بیت را - که همان ولایت و خلافت است - به آنان برگرداند و این مهم فقط با قیام قائم آل محمد^(عج) به دست می‌آید که شاعر در جایی این چنین آرزو می‌کند که تا روز قیام آن حضرت زنده باشد و آن روز را درک کند:

« و قیلَ لنا : للحقِّ وقتٌ معینٌ یفوزُ به باغٍ و ینجحُ طالبٌ
... و إني لأرجو أن أعيشَ إلى التي تُحدُّ لنا عنها الظنونُ الصَّوابُ»^(۱)

(المرتضی، ۱۹۹۷، ج ۱: ۸۲)

علاوه بر این سید مرتضی در باب مفهوم فوق، دشمنان اهل بیت را اینگونه بیم و انذار می‌دهد که در حقیقت پیروز واقعی در روز عاشورا اهل بیت^(ع) هستند؛ زیرا که منتقم واقعی مهدی موعود^(عج) روزی قیام خواهد کرد و انتقام آن‌ها را خواهد گرفت و با پرده برداشتن از حقایق، روشن خواهد شد که پیروز میدان عاشورا کیست.

« لا بُدَّ مِنْ يَوْمٍ بِهِ الْجَوُّ أَغْبَرُ و فيه الثرى من كثرة القتلِ أحمُرُ
و أنتم بمجتازِ السيولِ كأنكم هشيماً بأيدي العاصفاتِ مُطَيَّرُ

فتهبط منكم أرويس كنن في الدرا
و يجئو لكم ذاك اللهب المسعر
و يتأز منكم نائر طال مطلة
و قد تظفر الأيام من ليس يظفر^(۱۲)

(همان، ج ۲: ۷۷-۷۸)

به طور کلی، شاعر به جایگاه و ولایت اهل بیت، نگاهی وسیع دارد و ولایت آنان را، همه جانبه و شامل عرب و عجم می‌داند که دیدگاهی اسلامی - شیعی است، و فقط دیدگاهی عاطفی محسوب نمی‌شود.

۴. تصویر بنی امیه

از آنجا که بنی امیه نقش اصلی را در به وجود آوردن حادثه عاشورا ایفا کردند، طبیعی است هر فردی که در مورد این رویداد تحقیقی انجام داده و سخنی به زبان رانده، نقش امویان را نیز در اثر خود لحاظ کرده و بدان پرداخته باشد. سید مرتضی با ابزار بیان منظوم، تصاویری مختلف از چهره بنی امیه و دشمنان اهل بیت در شعر خود ترسیم نموده و در معرض دید مخاطبان قرار داده است. از مجموع تعبیهایی که وی نسبت به امویان دارد، این نکته روشن می‌شود که نگاه وی نسبت به آنان نگاهی عمیق و برگرفته از آگاهی و بصیرت است و او صرفاً از روی احساسات آنان را هدف انتقاد و بیم و انذار خود قرار نداده، بلکه بر اساس باور و اعتقاد قلبی و از روی عقل و منطق با مسأله غصب خلافت و جانشینی پیامبر^(ص) توسط بنی‌امیه برخورد نموده است. مهم‌ترین نکات و صفاتی را که سید در اشعار عاشورایی خود درباره بنی امیه آورده است، می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱-۴ غصب حق اهل بیت^(۴)

شیعه، امامان معصوم را خلفا و جانشینان پیامبر می‌داند و هرکس را که غیر از آنان در این جایگاه قرار گیرد، غاصب مقام ولایت و خلافت می‌داند که سید مرتضی عالم شیعی و اندیشمند شاعر، به این امر توجه داشته و معتقد به غصب این حق اهل بیت^(۴) است. وی خطاب به بنی‌امیه می‌گوید شما حق اهل بیت؛ یعنی خلافت را به زور غصب کردید و آیاتی که در قرآن در شأن اهل بیت آمده بود، نادیده گرفتید؛ وی درباره خیانت امویان در حق امام و یارانش در قصیده راثیه خود که با «عرج علی الدراسة القفر / و مُر دموع العین أن تجری» این چنین می‌گوید:

... قَرَّوكم لما حلتم دارهم
واطرحوا النهج و لم يحفلوا
. ولا قری. أوعية الغدر
بما لكم في مُحكم الذکر

و استلبوا إرثکم منکم

من غیر حقّ بیّد القسر»^(۱۳)

(المرتضی، ۱۹۹۷م، ج ۲: ۱۲۸)

شاعر در ابیات فوق با ذکر «بمالکم فی محکم الذکر» با هنرمندی تلمیح و اشاره‌ای به آیاتی از قرآن دارد که در شأن اهل بیت نازل شده است؛ از جمله آیه تطهیر، مباحله، ذوی القربی، آیه اولی الامر و ...

در اشعار بسیاری سید خطاب به بنی امیه به این موضوع اشاره می‌کند که حکومت بنی امیه بر پایه غصب بنا شده که شاعر آن را به اشتباه روزگار نسبت داده است؛ به عنوان مثال وی چنین می‌سراید:

«قُلْ لِقَوْمٍ بَنَوْا بَغِيرِ أَسَاسٍ فِي دِيَارٍ مَا يَمْكُونُ مَنَارَا
و استعاروا من الزّمان و ما زا لست لِيَالِيهِ تَسْتُرِدُّ المِعَارَا
لِيسَنَ أَمْرٌ عَصَبْتُمُوهُ لَزَامًا لا و لا مَنْزَلٌ سَكَنْتُمْ قَرَارَا
أَيُّ شَيْءٍ نَفَعًا وَ ضَرًّا عَلَيَّ مَا عَوَدَ الدَّهْرُ لَمْ يَكُنْ أَطْوَارًا؟»^(۱۴)

(المرتضی، ۱۹۹۷م، ج ۲: ۱۹)

به موضوع غصب خلافت توسط بنی امیه در روایاتی که از معصومان برجای مانده اشاره شده است؛ به عنوان نمونه می‌توان پاسخ امام حسین^(ع) را به اصرار مروان برای بیعت با یزید آورد که چنین فرموده است: از جلد شنیدم که می‌فرمود: «الخلافة محمودة على آل أبي سفيان» خلافت بر آل ابو سفیان حرام است. (بحارالانوار، ۱۳۷۴ش، ج ۴۴: ۳۲۶، ابن طاووس، ۱۳۸۳ش: ۴۲)

۲-۴ خروج از اسلام و قطع خویشاوندی با پیامبر

شاعر بنی امیه را برای اسلام به مثابه عضوی فلج و از کار افتاده می‌داند، که از یک سو، می‌گوید آن‌ها صلاحیت و کفایت ندارند و از پیکره اسلام جدا گشته‌اند و از طرف دیگر، آنها با این جنایت بزرگ، دیگر از خویشان پیامبر به حساب نمی‌آیند.

...تَقَطَّعَ وَصَلَ كَان مَنَا وَ مِنْكُمْ وَ دَانٍ مِنَ الْأَرْحَامِ يَتَنِي وَ يَسْطُرُ
وَ هَلْ نَافِعٌ أَنْ فَرَّقْتَنَا أَصُولُكُمْ أَصُولٌ لَنَا نَأْوِي إِلَيْهَا وَ عِنَصُرُ
وَ عُضُو الْفَتَى إِنْ شَلَّ لَيْسَ بَعْضُوهُ وَ لَيْسَ لِرَبِّ السَّرْبِ سِرْبٌ مُنْفَرُّ»^(۱۵)

(المرتضی، ۱۹۹۷م، ج ۲: ۷۷)

نکته قابل توجه در ابیات بالا، تشبیه ضمنی زیبایی است که از یک سو بر غنای معنا افزوده و از دیگر سو، بیان‌کننده توانایی شاعر در بلاغت و قدرت تصویرپردازی وی در تبیین معانی است. در اینجا شاعر جدا شدن و قطع پیوند خویشاوندی را یکبار به طور ضمنی به

عضوی فلج تشبیه نموده و بار دیگر آن را به دسته پراکندهٔ کبوتران یا گله‌ای متفرق شبیه ساخته است که وجه شبه آن نبود پیوند، ناکارآمدی و بی‌فایده‌گی است. براساس این ابیات می‌توان گفت که تشبیه ضمنی هم قابلیت ظهور و بروز در قالب تشبیه جمع (مشبه واحد و تعدد مشبه به) را دارد.

۳-۴ گمراهی و ضلالت

در بیشتر ابیات چکامه‌های عاشورایی سید مرتضی سخن از گمراهی و ضلالت بنی‌امیه به میان آمده است؛ که از باب نمونه می‌توان ابیات زیر را به عنوان شاهد آورد که شاعر در آن‌ها خطاب به کافران و بنی‌امیه چنین می‌گوید:

«... قَدْ سَمِعْتُمْ مَا قَالَ فِينَا رَسُولَ اللَّهِ
وَهُوَ الْجَاعِلُ الَّذِي تَرَاخَوْا
وَإِذَا مَا عَصَيْتُمْ فِي ذَوْبِهِ
لَيْسَ عَذْرٌ لَكُمْ فَيَقْبَلُهُ اللَّهُ
يُتَلَوُّهُ مَرَّةً وَ مَرَارًا
عَنْ هَوَانَا مِنْ قَوْمِهِ كَقَرَارًا
حَالَ مِنْكُمْ إِقْرَائِكُمْ إِنْكَارًا
يَوْمَ يَقْبَلُ الْأَعْدَارَا»^(۱۶)

(المرتضى، ۱۹۹۷، ج ۲: ۲۱-۲۲)

وی در این ابیات به بنی‌امیه یادآور می‌شود که در محبت و ولایت خاندان پیامبر سستی کرده و با اقتباس از مفهوم و معنای دو حدیث معروف «سفینه نوح» و «حدیث ثقلین» که در آن‌ها پیامبر تخلف و جدایی از قرآن و اهل بیت را باعث گمراهی و تمسک به آنان را سبب نجات رستگاری می‌داند؛ بنی‌امیه را در زمرهٔ کافران و گمراهان قرار می‌دهد.

۴-۴ محرومیت از نعمت‌های اخروی

شاعر در اشعار عاشورایی خود بارها بنی‌امیه و هواداران و جیره‌خواران آن‌را- که در به وجود آوردن حادثه عاشورا و حوادث بعد از آن نقش داشتند- به عذاب الهی در آخرت وعده می‌دهد و بیان می‌دارد که شما نتیجهٔ ظلم خود را خواهید دید، به عنوان مثال وی با بهره‌گرفتن از دریای ادب و معارف قرآن و آیاتی چون «إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ» (انبیاء/۹۸) و «فَكَانُوا لِحَبَّتِهِمْ حَطَبًا» (جن/۱۵)؛ در مورد «عمر بن سعد» به عنوان فرمانده سپاه یزید، چنین می‌سراید:

وَيْحُ «ابنِ سَعْدٍ عُمَرُ» إِنَّهُ
بَغَى عَلَيْهِ فِي بَنِي بَنِيهِ
فَهُوَ وَإِنْ فَازَ بِهَا عَاجِلًا
بَاعَ رَسُولَ اللَّهِ بِالنَّزْرِ
وَ اسْتَلَّ فِيهِ أَنْضَلَ الْمَكْرِ
مِنْ حَطَبِ النَّارِ فَلَا يَدْرِي^(۱۷)

(المرتضی، ۱۹۹۷م، ج ۲: ۱۲۹)

مصرع دوم بیت اول که در آن شاعر بیان می‌دارد عمر بن سعد پیامبر^(ص) را به بهای اندک فروخته، یادآور آن آیه‌ای است که در مورد حضرت یوسف می‌گوید: «وَشَرَّوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمٍ مَعْدُودَةٍ» (یوسف / ۲۰) که می‌توان گفت در این بخش از بیت، اقتباسی وجود دارد که فقط معنا و مفهوم را از قرآن گرفته و به لفظ آن هیچ اشاره‌ای نشده است. در بیت دوم از ابیات یادشده، شاعر ترکیب «أنصل المکر» را برای خیانت «عمر بن سعد» به کار برده که اضافه تشبیهی است و در آن مشبه به «انصل» به مشبه؛ یعنی «المکر» اضافه شده است.

در دو بیت زیر شاعر با تلمیح به ماجرای بستن آب به روی امام حسین^(ع) و یارانش به سپاه اموی اعلام می‌دارد که با این کار خود را از آب کوثر محروم ساختید.

حَالًا تُمْ بِالطَّفِّ قَوْمًا عَنِ الْمَاءِ فَخُلِّتُمْ بِهِ الْكُوْتِرَا
فَإِنْ لَقَوْا تَمَّ بِكُمْ مُنْكَرًا فَسَوْفَ تَلْقَوْنَ بِهِمْ مِنْكَرًا^(۱۸)

(المرتضی، ۱۹۹۷م، ج ۲: ۱۵)

و در جایی دیگر خطاب به امویان آنان را با شهدای کربلا مقایسه کرده و آنچه اینان با انجام فجایع کربلا به دست آوردند، دولتی زودگذر و ناپایدار و دستاوردهای امام و یارانش را جاودانه و ماندگار دانسته است.

لَقَدْ كُسِرَتْ لِلدِّينِ فِي يَوْمِ كَرْبَلَا ... وَلَسْتُمْ سِوَاءَ وَ الَّذِينَ غَلَبْتُمْ
وَأِنْ نَلْتَمِسُوها دَوْلَةً عَجْرَفِيَّةً كَسَائِرُ لَا تُؤْسَى وَ لَا هِيَ تُجْبَرُ
وَلَكِنَّها الْأَقْدَارُ فِي الْقَوْمِ تُقَدَّرُ فَقَدْ نَالَ مَا قَدْ نَالَ كَسْرِي وَ قِصْرُ^(۱۹)

(همان، ج ۲: ۷۷)

۵- سیمای یاران امام حسین^(ع) در شعر سید مرتضی

از آنجا که اصحاب امام حسین^(ع) صفحات زیادی از کتاب بزرگ عاشورا را به خود اختصاص دادند و کردار و گفتار آنان در روزهای متصل به عاشورا و خود عاشورا به زیبایی در پهنه تاریخ نقش بسته و پرداختن به عاشورا بدون در نظر گرفتن نقش و جایگاه یاران امام امری ناممکن و ناقص است. از این رو، سید مرتضی هم در چکامه‌های عاشورایی خود حق مطلب را ادا کرده و ابیاتی را ویژه ترسیم سیمای یاران امام حسین^(ع) قرار داده است که برای این منظور

با قلم بیان به تصویرگری صفات و خصایص آنان پرداخته است که در اینجا از باب مشت نمونه خروار به پاره ای از این صفات پرداخته می‌شود.

۱-۵ شجاعت

بی‌گمان معدود افرادی که در برابر سپاهی گران مقاومت کرده و تن به مبارزه می‌دهند و با علم به کشته شدن می‌جنگند، بزرگ‌ترین خصیصهٔ آنان شجاعت و دلاوری است که این صفت در مورد تمامی یاران امام حسین^(ع) مشهود و برجسته است. سید مرتضی در مورد دلاوری، شجاعت و جنگ آوری عاشوراییان چنین داد سخن می‌دهد:

لَمْ يَطْعَمُوا الْمَوْتَ إِلَّا بَعْدَ أَنْ حَطَمُوا بِالضَّرْبِ وَالطَّعْنِ أَعْنَاقَ الصَّنَادِيدِ
و لَمْ يَدْعُ فِيهِمْ خَوْفُ الْجَزَاءِ غَدًا دَمًا لِيَتْرِبَ وَلَا لِحْمًا إِلَّا سَيْدًا^(۲۰)

(المرتضى، ۱۹۹۷م، ج ۱: ۴۰۱)

شاعر با استفاده از ابزار بیان به توصیف حضور اصحاب امام و مبارزه آنان پرداخته و با به‌کار بردن فعل «حطمو» برای قطع گردن دشمنان با استفاده از استعارهٔ مصرحه تبعیہسخن را پیش می‌برد. وی قبل از آن با مفعول قرار دادن «الموت» برای فعل «لم يطعموا» و استفاده از این استعاره مکینه نشان می‌دهد که مرگ برای یاران امام حسین^(ع) شیرین و لذت بخش است. او در مصرع بعدی نیز باز هم با کاربرد گونه دیگری از مجاز؛ یعنی مجاز عقلی با اسناد فعل «لم يدع» به «خوف الجزاء» که اسناد فعل به سبب است، سیمای بی‌باک و نترس یاران امام را به تصویر می‌کشد.

او در جایی دیگر، نه‌راسیدن یاران امام از جنگ و پایداری و پایمردی آنان را در برابر انبوه دشمنان بیان داشته و با استفاده از ترکیب کنایی «أَنْ قَضُوا مُنَى مِنْ عَدُوِّهِمْ» که دال بر کشته شدن دشمنان به دست آنان است، چنین می‌آورد:

قَضُوا بَعْدَ أَنْ قَضُوا مُنَى مِنْ عَدُوِّهِمْ لَمْ يَنْكَلُوا يَوْمَ الطَّعَانِ وَ يَضْعَفُوا^(۲۱)

(همان، ج ۲: ۳۱۹)

۲-۵ عزت و فرار از ذلت

یکی از نمایان‌ترین تابلوها و شعارهای امام حسین-علیه السلام- در روز عاشورا شعار «هیهات منّا الذلّة» است که این چکیده‌ای از یکی از انگیزه‌های قیام عاشورا؛ یعنی همان آزادگی و تن ندادن به ذلت و خواری است که در دیگر سخنان امام نیز تجلی یافته است و نمود

دارد؛ سخنانی مانند «موتٌ فی عزٍّ خیرٌ من حیاةٍ فی ذُلٍّ» و «لا و الله، لا أعطیهم بیدي إعطاء الذلیل و لا أُقْرُ اقرار العیید.» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق، ج ۴: ۶۸)

این اصل و انگیزه قیام عاشورا در شعر سید مرتضی نیز خود را نشان می‌دهد و شاعر این ویژگی قیام عاشورا و ذلت ناپذیری امام و یارانش را بدین سان بیان می‌دارد:

كِرْهوا الفِرَارَ و هم علی
و تَيَقَّنُوا أَنَّ الحِیَاةَ
أَقْتَادِ بُحْبُحِ نَاجِیَاتِ
مَعَ المَذَلَّةِ كَالمَمَاتِ^(۲۲)

(المرتضی، ۱۹۹۷م، ج ۱: ۲۰۸ - ۲۰۹)

ابیات فوق را می‌توان در راستای بیت مشهور امام حسین^(ع) دانست که در روز عاشورا می‌خواند:

الموتُ أُولَى مِن رُكُوبِ العَارِ و العارُ أُولَى مِن دُخُولِ النَّارِ (موسوعة، ۱۴۱۶ق: ۴۹۹)

در بیان شأن و عظمت بیت فوق، همین بس که یکی از اندیشمندان معاصر آن را چنین ستوده و ارزش نهاده است: «اسم این شعار را باید گذاشت شعار آزادی، شعار عزت، شعار شرافت...» (مطهری، ۱۳۸۴ش: ۱۸۴)

۳-۵ بخشندگی

قطعا کسانی که آماده آن باشند که گوهر جان خویش را در راه خدا فدا سازند، باید انسان‌های بزرگوار و بخشنده باشند که کالای دنیوی برای آنان ناچیز و پست باشد. از جمله صفاتی که در دیوان شریف مرتضی برای اصحاب کربلا آورده شده، سخاوت و بخشندگی است که شاعر ابیات گوناگونی را در بیان این خصلت آنان آورده است؛ بگونه‌ای که از دیدگاه وی صفت بخشندگی جزء سرشت و فطرت آنان بوده و گردیده است:

لَمْ یَعْرِفُوا غَیْرَ بَئِ العُرْفِ بَیْنَهُمْ
عَفْوًا، و لا طُبَعُوا إِلَّا عَلَی الجُودِ^(۲۳)

(المرتضی، ۱۹۹۷م، ج ۱: ۴۰۱)

وی یاران امام حسین^(ع) را مظهر بخشندگی و شجاعت می‌داند و آنگاه که در میدان نبرد

به خاک و خون افتاده‌اند، چنین به تصویر می‌کشد:

و لَهُم أَكْفٌ نَاضِرًا
مَارِئًا إِلَّا بِالْعَطَا
تُّ بَیْنَ صُمَّ یَابَسَاتِ
یا و المَنایَا جَارِیَاتِ^(۲۴)

(همان، ج ۱: ۲۰۸)

۶- جایگاه عاشورا و پیامدهای آن

در پدید آمدن حادثهٔ عاشورا و قیام امام حسین عواملی متعدد دست به دست هم داد که یکی از آنها را می‌توان زنده شدن دوباره تعصبات قبیله‌ای و انتقام‌گیری بنی امیه از خاندان پیامبر^(ص) و بنی هاشم دانست که در این باره می‌خوانیم: «اعتقاد شاعران حسینی عصر عباسی نسبت به حماسهٔ عاشورا این بود که کربلا از دل سقیفه بیرون آمد و یا به سبب انتقام از روز بدر واقع شد.» (فلاح، ۱۳۹۰ش: ۱۵۶)

سید مرتضی به حادثهٔ عاشورا را با نگاهی بس فراتر از یک نگاه عاطفی ارزیابی می‌کند. وی در شعر خود به ریشه‌ها، انگیزه‌ها، پیامدها و دستاوردهای این خیزش اشاراتی دارد که برخی از آنان را می‌توان به شکل زیر آورد.

۱-۶ عاشورا انتقام از بدر

شاعر یکی از انگیزه‌های امویان برای رویارویی با امام حسین^(ع) را همان انتقام گرفتن امویان از بنی هاشم می‌داند که در جنگ‌هایی نظیر بدر گذشتگان امویان را -که از سران کفار بودند و با اسلام می‌جنگیدند- از بین برده‌اند. نمود این باور شاعر را می‌توان در اشعاری مانند دو بیت زیر به وضوح مشاهده کرد.

طَلَبُوا أوتَارَ بَدْرٍ عندنا ظُلماً و حُوباً
و رأوا في ساحة الطِّ فَا و قد فاتَ القَلْبِيا^(۲۵)

(المرتضی، ۱۹۹۷م، ج ۱: ۶۰)

از دیگر عواملی که شاعر آن را در به وجود آوردن حادثه یا واقعه عاشورا دخیل می‌داند، جهل و بی‌خردی امویان است و از این رو در جایی دیگر می‌گوید: شما قوم بنی امیه به علت جهل خود مغرور شده و این جنایت را مرتکب شده‌اید. هرچند باید به این نکته توجه داشت که آل ابوسفیان و هم مسلکان آن‌ها کسانی بودند که در طول تاریخ، با حق و عدل مبارزه کرده‌اند و برای خاموش ساختن نور خدا کوشیده‌اند، چه در میدان بدر و أحد و صفین و کربلا، چه در هر جای دنیا و هر زمان دیگر.

و غررتم بالحلُم عنکم و ما زید دَ جهولٌ بالحلُم إلا إغترارا
و أخذتم عمّا یومٌ بَدْرٍ و حنینٍ فیما تحالونَ ثأراً^(۲۶)

(همان، ج ۲: ۲۲)

۶-۲ عاشورا روز برملا شدن نفاق

بدون شک یکی از پیامدهای بزرگ عاشورا این بود که پرده از چهره واقعی دشمنان کنار زد و سیمای واقعی حکومت اموی و ماهیت آنان را نشان داد و فضای فتنه آلود آن زمان را شفاف ساخت. پس از این حادثه بود که جامعه آن روز و آیندگان دریافتند که حق با اهل بیت پیامبر^(ص) است و دولت مخالف آنها به اصول و ارزش‌های اسلامی پایبند نیست، بلکه رژیم سفاک و مستبد است. سید مرتضی نیز این مسأله را در شعر خود چنین انعکاس داده است.

قد سَبَرْنَاكُمْ سَرَابًا	و خَبَرْنَاكُمْ فَكُنْتُمْ خَبَارًا
و هَدَيْنَاكُمْ إِلَى طُرُقِ الْحَقِّ	فَكُنْتُمْ عَنَّا غَفُولًا حِيَارًا
كَانَ مَا تُضْمِرُونَ فِينَا مِنَ الشَّرِّ	ضِمَارًا ، فَالآنَ عَادَ جِهَارًا ^(۲۷)

(المرتضی، ۱۹۹۷، ج ۲: ۲۱)

می‌توان گفت که این دیدگاه شاعر برگرفته از عقاید درونی و باورهای مذهبی او است؛

زیرا وی روز عاشورا را مرز جدایی بین شیعه و دیگران به حساب آورده، می‌آورد:

و مِن بَعْدِ يَوْمِ الطَّفِّ لَا رَجَمَ لَنَا	و تَقَطُّ وَ لَا شَعْبٌ يَرْجِيهِ شَاعِبٌ
و كُنَّا جَمِيعًا فَافْتَرَقْنَا بِمَا جَرَى	و كَم مِّن لَّصِيقٍ بَاعَدَتْهُ الْمَذَاهِبُ ^(۲۸)

(همان، ج ۱: ۸۱)

از مهم‌ترین اثر قیام کربلا تفکیک اسلام راستین از اسلام دروغین بود. کربلا توطئه غاصبان خلافت پیامبر^(ص) را به جامعه نشان داد و فرق بین خلافت اسلامی و سلطنت موروثی را بر مردم آشکار ساخت و توانست بسیاری از مظلومی که بر خاندان پیامبر^(ص) گذشته و جنایاتی را که بر آنان رفته بود، برملا سازد و آثار نفاق و نیرنگ را از چهره دین بزداید، وی در این راستا چنین می‌گوید:

يَوْمٌ أَدَّلَ جَمَاعًا مِّنْ هَاشِمٍ	و سَرَى آلِ عَدْنَانَ وَ قَحَطَانَ
وَ هُوَ الَّذِي لَمْ يُبَيِّقْ مِّنْ دِينِنَا	بِالْعَدْرِ قَائِمَةً مِّنَ الْبَنِيَانِ ^(۲۹)

(همان، ج ۳: ۴۵۸)

۳-۶ عاشورا قیامی جاودانه

حوادث و اتفاقات عاشورا بگونه‌ای رقم خورد که حتی کوچک‌ترین آن‌ها نیز در حافظه تاریخ مانده و بنا به گفته سید مرتضی حتی اسبان، شمشیران و نیزه‌ها نیز این ماجرا را فراموش نمی‌کنند و تا ابد در تاریخ باقی می‌ماند. دو بیت زیر خطاب شاعر به امویان است این مسأله را چنین یاد آور می‌شود:

ظننتم و بعضُ الظَّنِّ عجزٌ و غفلةٌ
و هیئات تآبی الخیل و البيض و القنا
بأنَّ الَّذِي أَسْلَفْتُمْ لَيْسَ يُذَكَّرُ
بِجَارِي دِمِّ الْفَاطِمِيِّنَ يُهْدَرُ^(۳۰)

(همان، ج ۲: ۷۶-۷۷)

وی با آوردن جمله معترضه «بعضُ الظَّنِّ عجزٌ و غفلةٌ» به امویان متذکر می‌شود که این گمان شما مبنی بر فراموشی حوادث عاشورا گمانی از روی عجز و غفلت است و به جز انسان‌ها حتی دیگر موجودات نیز این عملکرد شنیع شما را فراموش نمی‌کند. و در جایی دیگر درباره عاشورا می‌گوید که این روز آتش و نوری را (در دل‌ها) به پا نموده که شعله‌های آن خاموش نشدنی است:

و أَنَا نَارًا لَا تَبُوخُ وَ رَمًا
قَد كَانَ لِلتَّيْرَانِ لَوْنٌ دُحَانٌ^(۳۱)

(همان، ج ۳: ۴۵۸)

۷- نمود عاطفه در شعر عاشورایی سید مرتضی

ندبه و نوحه سرایی در رثای شهدای کربلا یکی از ویژگی‌های مکتب تشیع است که علاوه بر اینکه سبب ماندگاری این حادثه گشته، بیان‌کننده نگاه عاطفی به حوادث عاشورا و ماجراهای بعد از آن است. در روایاتی متعدد از معصومان علیهم السلام، به موضوع عزاداری و زنده نگه داشتن یاد امام حسین و یاران او ذکر مصائب اهل بیت اشاره شده است که از باب نمونه می‌توان به این سخن امام صادق^(ع) استشهد نمود: «شيعتنا خلقوا من فاضلِ طينتنا يَفْرَحُونَ لِقَرَجِنَا وَ يَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا» (محمّدی ری شهری، ۱۳۷۷، ش، ج ۵: ۲۳۳) (شیعیان ما از مازاد خاک ما خلق شده اند؛ در غم ما غمگین اند و در شادی ما شادند) و در جایی دیگر امام صادق^(ع) می‌فرماید: «ما مِنْ أَحَدٍ قَالَ فِي الْحَسَنِ شِعْرًا فَبَكَى وَ أَبْكَى بِهِ، إِلَّا أَوْجَبَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ الْجَنَّةَ وَ غَفَرَ لَهُ»؛ یعنی «هیچ کس نیست که درباره حسین شعری بگوید و بگرید یا با آن بگریاند، مگر آنکه خداوند بهشت را بر او واجب کند و او را بیامرزد.» (بحار الأنوار، ۱۳۷۴، ش، ج ۴۴: ۲۸۳)

از آنجا که عاطفه هر شاعر یا نویسنده، خاص خود اوست تصاویر بر آمده از این عاطفه نیز رنگی شخصی و فردی به خود خواهد گرفت. (پورنامداریان، ۱۳۷۴: صص ۱۵۷ - ۱۶۴) پس بدیهی می‌نماید که سید مرتضی به عنوان یکی از بزرگان و اندیشمندان تشیع برداشت‌های عقلی و منطقی‌اش را با عاطفه خود تلفیق کرده و بیشتر به جنبه حماسی عاطفه و تحریک مخاطب به سوی شور حماسی و تعقل در اسباب و نتایج این واقعه بزرگ، اهتمام داشته باشد، چرا که شعر انگیزش عاطفه در ارتباط با شاعر و برانگیزاننده عاطفه در ارتباط با مخاطب است. شریف مرتضی حادثه عاشورا را بسیار دردناک و غمبار معرفی می‌کند، بگونه‌ای که هیچ حادثه‌ای همانند آن وجود ندارد و بارها از آن تعبیراتی دارد که ناشی از سوز درونی وی از این واقعه است؛ به عنوان مثال وی سوز و گداز خود را این گونه نمایان ساخته است:

و رزیهً للّٰدین لیست کالزینا الماضیاتِ
ترکت لنا منها الشّوٰی وَ مَصَّتْ بِمَا تَحْتَ الشّوٰةِ^(۳۲)

(المرتضی، ۱۹۹۷م، ج ۱: ۲۰۹)

و یا در جایی دیگر وی با استفهامی انکاری غم درونی خود را بدین سان به نمایش می-

گذارد:

و أیُّ قلبٍ حَمَلَتْ حُرْنُکُمْ جوانحُ منهُ و ما فُطِّرًا!؟^(۳۳)

(همان، ج ۲: ۱۷)

شریف مرتضی معمولاً آه و اندوه خود را - که حاکی از سوز درون و برخاسته از

عاطفه‌ای صادق و راستین است- در قالب الفاظ و معانی و مفاهیم ذیل به تصویر می‌کشد.

۷-۱ سوگواری

شیعه بر این باور است که عزاداری و سوگواری بر امام حسین^(ع) مختص به اولیا و شیعیان نیست، بلکه تمام موجودات عالم هستی در این ماتم عزادار و سوگوار هستند. سید مرتضی این مسأله را در اشعار عاشورایی خود آورده و به وضوح بیان نموده است که بررسی شعر وی بیان‌کننده آن است که سوگواران و عزاداران امام حسین^(ع) و یاران او را موارد و مجموعه زیر تشکیل می‌دهند.

الف) سوگواری اهل بیت (ع)

شاعر در میان همه اهل بیت، از پیامبر (ص) نام برده است و گویی که صاحب عزای اصلی را رسول خدا (ص) می‌داند و بیان می‌کند که بر پیغمبر سخت است نورچشمان وی مورد ظلم و قتل واقع گشته، زنان خاندان وی همچون کالا در بازار خرید و فروش می‌شوند و بارها اشاره کرده است که پیغمبر از این مصیبت سخت متأثر گشته و عزادار است:

فکم لرسول الله في الطّفِّ من دمٍ يُراقُ و مِن نفسٍ ثَمَّاتٍ و تُتَلَفُ
و مِن وُلْدٍ كَالعَيْنِ مِنْهُ كرامَةٌ يُفادُ بأيدي التَّكثِيرِ و يُسَعَفُ
عزيرٌ عليه أن تُباعَ نساؤه كما بيعَ قَطْعٌ في عُكاظَ و قرطَفُ^(۳۴)

(همان، ج ۲: ۳۲۰-۳۲۱)

از کلام سید مرتضی چنین برمی‌آید که وی خون‌های ریخته شده در کربلا را خون پیامبر و جان‌های گرفته شده در عاشورا را جان آن حضرت می‌داند. وی همچنین از اسرای کربلا به نور دیدگان پیامبر تعبیر نموده که به دست پیمان شکنان برده می‌شوند و در آخرین بیت از ابیات بالا با بهره‌گیری از آرایهٔ تلمیح به ماجرای عرضهٔ اهل بیت پیامبر و زنان در برابر مردمان و نامحرمان اشاره می‌کند، عملی که برای پیامبر بسی سخت و دشوار است. وی در جایی دیگر با مدد گرفتن از استعارهٔ مکئیه و تشبیه دین به شیء قابل شکسته شدنی که جبران آن ناممکن است خطاب به بنی امیه می‌گوید، شما با این کار در دین شکافی بزرگ ایجاد کردید و به پیامبر خدا ظلم روا داشته‌اید. وی در ادامه با بیان کنایه «ما فکَّ أعناقکم» به ناسپاسی و کفران نعمت آنان نسبت به نعمت هدایت و رهایی از ظلم و ستم اشاره می‌کند:

كسرتُم الدّينَ ولم تعلموا و كسرتُم الدّينَ بلا جبرٍ
فيا لها مَظَلَمَةٌ أوْلجت علی رسولِ اللّهِ في القبرِ
كأنته ما فکَّ أعناقکم بکفِّهِ مِن رَبِّي الكُفْرِ^(۳۵)

(المرتضی، ۱۹۹۷م، ج ۲: ۱۲۸)

ب) سوگواری حیوانات

از نظر شاعر حادثهٔ عاشورا چنان سنگین و غمبار است که تمام موجودات عالم هستی در آن به سوگ نشسته‌اند؛ به عنوان مثال وی بر این باور است که کبوتران همگام با نسیم بر شهدای

کربلا نوحه سرایی می‌کند و با استفاده از صنعت تشخیص از کبوتران می‌خواهد که در رثای حسین علیه السلام ناله و نوحه سر دهند:

هائمُ الأيکِ تبکیهم علی فَنینِ مُرَّحٍ بنسیم الرِّیحِ أملودِ
نُوحی؛ فذاک هدیرٌ منکِ مُحْتَسِبُ علی حُسینِ فتعیدُ کتغیرِدِ^(۳۶)

(همان، ج: ۱، ۴۰۳)

به نظر می‌رسد شاعر غیرمستقیم به مضامین احادیث وارد شده در مورد گریستن تمام کائنات بر امام حسین^(ع) اشاره دارد؛ زیرا در روایات معتبر، وارد شده که تک تک اهل بیت از رسول خدا تا امام عصر^(عج) در سوگ امام حسین و واقعه عاشورا گریه می‌کنند. علاوه بر آن تمام کائنات بر حسین بن علی^(ع) گریسته‌اند. «ابن قولویه با سند خویش از امام باقر^(ع) روایت می‌کند که فرمود: انس و جن و پرندگان و حیوانات بر حسین بن علی گریه کرده‌اند تا آنجا که اشکشان جاری شد.» (پژوهشکده باقر العلوم، ۱۳۸۱ش: ۲۸۳) و نیز به سند خود از امام صادق^(ع) نقل می‌کند که فرمود: چون حسین بن علی^(ع) شهید شد، آسمانهای هفت گانه و هرچه در آنها و میان آنها و روی آنها بود، و همچنین بهشت و جهنم و همه آفریده‌های خدا و آنچه دیده می‌شود و دیده نمی‌شود بر آن حضرت گریه کردند. (همان: ۲۸۳)

۲-۷ ترسیم عاطفی سیمای شهدا

سید مرتضی به عنوان عالم دینی علاوه بر آنکه به نهضت عاشورا و حادثه کربلا نگاهی عقلی و مبتنی بر باورهای شیعی دارد، گاهی قلم به دست گرفته و این واقعه را با سوز برخاسته از عاطفه خروشان و راستین در تصویری احساسی و عاطفی به مخاطب عرضه می‌دارد. از تصاویر زیبایی که سید مرتضی در اشعار خود در معرض دید خوانندگان قرار می‌دهد، تصویر سر مبارک امام حسین^(ع) بر بالای نیزه در حال نور افشانی و منظره پیکر مبارک آن حضرت است که پایمال سم ستوران گشته و در هم شکسته و کبود شده است:

رُفِعَ الرَّأْسُ علی عا لی القنا یحکی الومیضا
وانثنی الجسمُ جُرْدِ ال خیل بالعدو رضیضا^(۳۷)

(المرتضی، ۱۹۹۷م، ج: ۲، ۲۰۴)

در جایی دیگر سید با صنعت تشبیه، قرار گرفتن بدن‌های پاره پاره شهیدان را در دشت کربلا از یک سوی به دانه‌های گردن‌بندی تشبیه می‌کند که رشته آن گسسته و بر روی زمین پراکنده شده‌اند، و از دیگر سوی آنان را به ستارگانی تشبیه کرده که از آسمان فرو افتاده‌اند:

فاسَمَ زَفِرِي عِنْدَ ذِكْرِ الْأَلَى	بِالطَّفِّ بَيْنَ الذَّنْبِ وَالشَّعَمِ
طَرَحَى فِيمَا مُقَعَصٌ بِالْقَنَا	أَوْ سَائِلُ النَّفْسِ عَلَى مِحْدَمِ
نَثَّرَ كُدْرٌ بَدَدٍ مُهْمَلٌ	لِغَفْلَةِ السَّلَكِ فَلَمْ يُنْظَمِ
كَأَنَّمَا الْعَبْرَاءُ مَرْمِيَةٌ	مِنْ قِبَلِ الْخِضْرَاءِ بِالْأُنْجَمِ ^(۳۸)

(همان، ج: ۳، ۳۶۴)

و یا در جایی دیگر با استفاده صنعت تقسیم چنین بیان می‌کند که عده‌ای از یاران امام اسیر و گروهی کشته شده‌اند و گروهی دیگر جسدهایشان طعمه کرکس‌ها و حیوانات وحشی شده است که مبین مظلومیت و غربت شهدای کربلاست:

فِيمَا سَيِّئٍ بِالرَّمَاكِ مُسَوِّقٌ	وَإِنَّمَا قَتِيلٌ فِي التَّرَابِ مُعَقَّرٌ
بُجْرَحِي كَمَا اخْتَارَتْ رِمَاخٌ وَأَنْصَلُ	وَ صَرَعِي كَمَا شَاءَتْ ضِبَاعٌ وَأَنْسُرٌ ^(۳۹)

(همان، ج: ۲، ۷۶)

در ادامه، شاعر به دنبال التیام زخم درونی خود و سوز و گداز ناشی از آن است؛ از این رو معمولاً با داروی شفا بخش قرآن، وعده خدا را به مجاهدان الهی یادآور می‌شود. وی با توجه به مفاهیم قرآنی و با اقتباس از آیات آن، نعمت‌های بهشتی را برای آنان بر می‌شمارد و یادآور می‌شود که این شهیدان همراه با یاوران ولایت، که همان شیعیان علی^(ع) هستند، بر حوض کوثر و نهرهای بهشتی وارد می‌شوند و چنین می‌گویند:

فَإِن تَرَاهُمْ فِي الْقَاعِ نَثْرًا فشمَلَهُمْ	بِحَنَاتِ عَدْنٍ جَامِعٍ مَتَأَلَّفُ
إِذَا مَا تَنَوُّوا تِلْكَ الْوَسَائِدَ مِيَالًا	أُدِيرَتْ عَلَيْهِمْ فِي الرَّجَاجَةِ قَرْفُ
وَ أَحْوَاضُهُمْ مَوْرُودَةٌ ، فَعَدُوَّهُمْ	يُجَلُّوْنَ وَأَصْحَابُ الْوَلَايَةِ تَرَشُّفُ ^(۴۰)

(همان، ج: ۲، ۳۱۹)

شریف مرتضی علاوه بر پرداختن به مفاهیم فوق در این ابیات، یکی از عقاید شیعه را مبنی بر اینکه در روز قیامت، صاحب کوثر حضرت علی^(ع) است و شیعیان وی بر او وارد می‌شوند، بیان می‌کند که واژه «اصحاب الولاية» مبین این معناست که به نوعی بیان‌کننده این حدیث معروف پیامبر^(ص) است: «يا علي أنت وشيعتك تردون علي الحوض زواء مرويين، مبيضة وحوهمكم ، وإن غدوكم يردون علي ظمأ مبعين» (الشيرvani، ۱۴۱۴ق: ج: ۱۷۸: ۱)

۷-۳ خون گریستن در عزای کربلا

سید آنقدر مصیبت وارد شده بر امام و یارانش را سنگین می‌داند که برای نشان دادن عمق احساس خود، روی به اغراق آورده و خون گریه می‌کند و علت سرخی اشک را بدین سبب که از اعماق قلب داغ‌دیده برخواسته، ذکر می‌کند که نوعی هنر نمایی کم نظیر و زیباست:

دَعَا قَلْبِي الْمَحْزُونُ فَيَكُم يَهِيحُهُ صَبَاحٌ عَلَى أُحْرَاكُمُ وَ مَسَاءٌ
فَلَيْسَ دَمُوعِي مِنْ حَفْوِي ، وَ اِنَّمَا تَقَاطِرُنَّ مِنْ قَلْبِي فَهِنَّ دَمَاءٌ^(۴۱)

(المرتضی، ۱۹۹۷م، ج: ۱، ۲۷)

شاعر در شاهد ذکر شده، ضمن انکار جاری شدن اشک‌هایش از چشم، با استفاده از حسن تعلیل مدعی شده که این قطرات روان بر پهنه صورت او، خون دل اوست که در سوگ شهیدان کربلا جاری گشته است.

۷-۴ سینه چاک دادن و پیراهن دریدن

شاعر در ادامه، بیان عاطفی حادثه عاشورا گریه و زاری و جامه دریدن در این روز را کم دانسته، بلکه بر این باور است که در عزای حسین علیه السلام و یارانش باید از شدت اندوه سینه چاک داد و دل را پاره نمود. او شدت غم و اندوه در این روز را چنین بیان می‌کند:

لَمْ يَدَعْ فِي الْقَلْبِ مَنِي لِّلْمَسْرَاتِ نَصِيَا
إِنَّهُ يَوْمٌ نَحِيْبٌ فَالْتَزَمَ فِيهِ النَّحِيَا
عَطُّ تَامُورِكَ وَ اِتْرَكَ مَعْشَرًا عَطَّوْا الْجِيُوْبَا^(۴۲)

(المرتضی، ۱۹۹۷م، ج: ۱، ۵۸)

زیرا شدت و اندوه این روز به اندازه‌ای است که اشک ریختن برای تسکین آن چاره ساز نیست و توان صبر بر آن وجود ندارد و تمام مصائب در مقابل این اندوه بزرگ به هیچ انگاشته می‌شوند:

فِيَا لَيْتَ اَسْرَابَ الدَّمُوعِ الَّتِي جَرَتْ اَسْوَنَ كَلِيْمًا اَوْ شَفِيْنَ غَلِيْلًا
مُصَابٌ اِذَا قَابَلْتُ بِالصَّبْرِ غَرَبَهُ وَحَدَثٌ كَثِيْرِي فِي الْعَزَاوِ قَلِيْلًا
وَ زُرَّةٌ حَمَلْتُ الثَّقَلَ مِنْهُ كَأَنِّي مَدَى الدَّهْرِ لَمْ اَحْمَلْ سِوَاهُ ثَقِيْلًا^(۴۳)

(همان، ج: ۳، ۵۰)

از این قبیل تعابیر و سخن از درد و رنج و مصیبت فقدان امام و یارانش در سرتاسر قصیده‌های سید در رثای شهدای کربلا دیده می‌شود که از باب مشت نمونه خروار به ذکر چند مورد بسنده شد؛ زیرا آوردن تمام آن‌ها در مجال مقاله نمی‌گنجد.

نتیجه گیری

- ۱- اشعار عاشورایی سید مرتضی متأثر عقاید و تفکرات شیعی است که بارزترین آن، تأکید بر اصل امامت اهل بیت بعد از پیامبر^(ص) است؛ زیرا وی امامت اهل بیت را مایهٔ نجات انسان در زندگی دنیوی و رستگاری در آخرت می‌داند.
- ۲- از دیگر باورهای شیعی متجلی در شعر عاشورایی سید مرتضی، اعتقاد به قیام و امامت حضرت مهدی^(عج) منجی بشریت و منتقم حقیقی اهل بیت علیهم السلام است.
- ۳- اشعار عاشورایی شریف مرتضی با سوز و عاطفه صادقانه، در قالب رثا بیان شده است که معمولاً وی برای التیام درد خود و مخاطب به مفاهیم و معانی قرآنی و احادیثی که بیان‌کنندهٔ رستگاری شهیدان این واقعه است، روی می‌آورد.
- ۴- سید مرتضی فراتر از یک نگاه عاطفی، به پیامدها و دستاوردهای عظیم واقعه‌ی کربلا و ریشه‌های وقوع این حادثه و تأثیر عمیق آن بر دین پرداخته است. از جمله بیان رسوایی بنی امیه و پرده برداشتن از چهرهٔ واقعی و دشمنی آنان که ریشه در کینه‌های بدر و خیبر دارد و اثبات حقانیت اهل بیت و قلمداد کردن عاشورا به عنوان روز فصل بین اسلام و کفر چرا با کشتن امام تمام خباثت و پلیدی دستگاه جور اموی ظاهر گشت.
- ۵- با بررسی در اشعار سید مشاهده می‌شود، در آنجایی که شاعر به جنبه‌های عاطفی و احساسی واقعهٔ عاشورا روی می‌آورد از صنایع ادبی از جمله تشبیه، استعاره، اغراق، مجاز و اقتباس از آیات قرآن ... برای تبیین بهتر معانی و تأثیر بیشتر، بهره برده است، اما در مواردی که از زاویه عقلی و اعتقادی به واقعه کربلا نگاه کرده، از مفهوم آیات و روایات استفاده نموده است و در کل جنبهٔ اعتقادی وی بهتر و قوی‌تر از بعد عاطفی است.
- ۶- بیشترین استفاده سید از آیات و احادیث در اشعاری است که با موضوع اهل بیت^(ع) و اثبات حقانیت آنها ارتباط دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱- روز عاشورا و مصیبت کربلا چشمان را به گریه خونین وا داشته، و اندوهی در دل‌ها نهاده که دواپی ندارد. ای ستارگانی که نور شما به سوی خدا هدایت می‌کند، اگر چه برخی (افراد) نادان، از روی کم خردی می‌خواهند مانع این نور شوند. اگر چه اقوامی (به خاطر دشمنی با خدا) به سوی جهنم می‌روند، ولی شما راهتان به سوی بهشت جاودان است.

۲- باری، به سوی زمین کربلا نگاه کن، جایی که مردانی به خاک و خون آغشته‌اند. ای حجت‌های خدا بر خلائق او، و ای کسانی که انسان‌ها به وسیله شما بیدار و بینا گشتند.

۳- رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) خطاب به امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمود:

این واحد عشر من ولدی و انت یا علی زر الارض - اعی اوتادها و جبالها - بنا اوتد الله الارض ان تسیخ باهلها، فاذا ذهب الانعاش من ولدی ساخت الارض باهلها و لم یظروا: و من یازده تن از فرزندانم و تو ای علی! لنگرهای زمین هستیم، خداوند به وسیله ما زمین را استوار کرده که ساکنانش را در دل خود فرو نبرد، هنگامی که دوازده فرزندم از روی زمین بروند، زمین ساکنانش را در دل خود فرو می‌برد و به آن‌ها مهلت داده نمی‌شود. (بحارالانوار، ج ۳۶: ۲۵۹)

۴- اگر شما در این عالم نباشید، مرگ آن حتمی است و هیچ خیری در آن نیست، و هر چه بر روی زمین است نابود می‌شود.

۵- شما بهترین کسانی هستید که بر روی زمین و زیر آسمان آبی زندگی می‌کنید. شما بهترین و بانس‌ترین اهل زمین هستید، و اگر شما بر روی زمین نبودید، هیچ برگزیده‌ای نبود.

۶- اینان گروهی هستند که ولایت آنان دژی محکم است و محبت آنان برای طالب فوز و رستگاری بهترین توشه است.

۷- همانگونه که می‌دانید، خداوند امور بهشت و جهنم و روز حشر را به شما واگذار کرد (بنا به احادیثی که شیعه روایت می‌کند). [ای مردم] اگر گناهی را مرتکب شدید، پیش خدا برای استغفار و شفاعت کسی را ببرید که برای شما شفاعت خواهد کرد. اگر در ولایت شما با اخلاص باشم هیچ منکری از من ناپسند و منکر نخواهد بود.

۸- ای آل یاسین و ای کسانی که محبت آنان، راه آن بهترین و استوارترین سنت‌ها و آداب است. کسانی که خانه‌هایشان محل فرود ملائکه و محل استقرار آیات محکم کتاب منزل است.

۹- ای اهل بیت پیامبر! چه حقوقی که از شما پایمال کردند و از آن محروم شدید، همانند غریبی که از گیاهان بین صخره‌ها محروم می‌گردد. اگر ظالمان و متجاوزان به حقوق شما، انصاف داشتند، اطاعت کنان زمام امور را به دست شما می‌دادند.

۱۰- شما حجت پروردگار خلق بر عرب و عجم هستید.

۱۱- به ما گفته‌اند که مطالبه حق زمان معینی دارد، که در آن صاحبان حق پیروز می‌شود. و آرزویم این است که زنده باشم و آنچه منتظر آن بوده و معتقد به راست بودن آن هستیم، ببینم.

۱۲- بی شک روزی خواهد آمد که در آن گرد و خاک برپا شده و خاک از کثرت کشته شدگان رنگ خون گیرد. و زمانی که قیام ما آغاز گردد، شما در آن روز مانند بوته‌ای خشکیده هستید که در مقابل تند بادهای هوا می‌رود.

در این زمان، سرهای بلند شما خواهد افتاد (جایگاه خود را از دست می‌دهید) و آتش شعله ور شما خاموش می‌گردد. و منتقم مورد انتظار ما به پا می‌خیزد و ایام به کسی (اهل بیت) که قبلاً پیروز نبوده روی می‌آورد.

۱۳- آن‌ها شما را مهمان کردند؛ اما زمانی که به سرای آنان فرود آمدید، به شما خیانت نمودند. از راه مستقیم خارج شدند و آنچه در قرآن در شأن شما نازل شده را نادیده گرفتند. و ارث و میراث شما (خلافت) را با زور و ستم سلب نمودند.

۱۴- به این قوم (بنی امیه) که حکومتی بی اساس را در دیاری که هیچ هدایتگری ندارند، بنا کرده بگو: آنان از روزگاری کمک جسته و امانت گرفته‌اند که امانت خود را پس خواهد گرفت. بگو: این حکومتی که آن را غصب کرده‌اید برایتان همیشگی نیست و این منزلی که برای سکنا برگزیده‌اید، شما را پناه نمی‌دهد. این از حکم روزگار است که، در نفع و ضررش مدام بر یک حال نیست.

۱۵- ارتباط بین ما و شما و خویشاوندی نزدیکی که قابل تفریر بود، از هم گسست و قطع شد. آیا اینکه به اصل و نسب دیگری متناسب باشید برای شما سودی دارد، بعد از اینکه خود شما سبب این جدایی بودید؟ عضو فلج شده دیگر جزء جسم و پیکر انسان به حساب نمی‌آید، و کبوتر پرواز کرده دیگر از آن صاحب خود نیست.»

۱۶- سخن پیامبر را درباره ما و در شأن و منزلت ما - که آن را بارها تکرار می‌کرد - شنیده‌اید. و شنیدید که او کسی را که در محبت ما - اهل بیت او - کوتاهی ورزد، از کفار به حساب می‌آورد. و زمانی که سخن پیامبر (ص) را در مورد اهلش نافرمانی کردید، اقرار شما به دین اسلام تبدیل به انکار می‌گردد. و بدانید که شما با این کار، فردای قیامت هیچ عذری پیش خداوند ندارید که مورد قبول باشد.

۱۷- «وای بر عمر سعد که پیغمبر را به بهای اندکی فروخت. او در حق فرزندان فاطمه به رسول الله ظلم و جفا کرد و با آنان راه مکر و نیرنگ را در پیش گرفت. هرچند او در این دنیای زودگذر پیروز است، نمی‌داند که در روز قیامت هیمة آتش جهنم می‌شود.» (اشاره به اینکه هیزم جهنم گنهکارانند.)

۱۸- شما زمانی که در روز عاشورا امام حسین و یارانش را از آب محروم کردید، خود را از آب کوثر و آب بهشت محروم کردید. اگر آنان در اینجا از شما جور و جفا دیدند، شما هم به زودی از آنان طعم ظلم را خواهید چشید.

۱۹- روز عاشورا دین به شکستگی و زخمی دچار شد که قابل بازسازی و ترمیم نیست. شما در شأن و منزلت و در سطح کسانی نیستید که بر آنان پیروز شده‌اید؛ ولی قضا و قدر خواست که شما پیروز شوید. هرچند شما به دولتی متکبر و زودگذر دست یافتید؛ اما او به چیزی دست یافت که کسری و قیصر به آن دست یافتند.

۲۰- آنان زمانی طعم مرگ را چشیدند که قهرمانان دشمن را با شمشیر و نیزه به کام مرگ روانه کردند. آنها از اینکه خونشان بر زمین ریخته شود و یا جسمشان طعمه گرگها شود، بیم و ابایی نداشتند.

۲۱- آنان بعد از اینکه به آرزویشان که کشتن دشمنان بود، جامه عمل پوشاندند، کشته شدند و از جنگ روی گردان نشده و احساس ضعف نکردند.

۲۲- آن‌ها با اینکه بر مرکب و شترهای قوی سوار بودند و می‌توانستند فرار کنند، ولی از این کار بیزار بوده و سر باز زدند. و یقین داشتند که زندگی بدون کرامت و با ذلت، با مرگ مساوی است.

۲۳- آنان به جز ترویج معروف و نیکی در بین خود، چیزی نمی‌شناختند و تنها بر اساس جود و بخشش سرشته شده‌اند.

۲۴- دستان لطیف و بخشنده آنان بین صخره‌های سخت و خشک فرو افتاده، دستانی که مظهر بخشندگی و شجاعت بودند.

۲۵- آنان به دنبال انتقام نبرد بدر بودند و به همین دلیل حسین را از روی ظلم کشتند. و در میدان نبرد کربلا چاهای (بدر) و کشته شدگان آن را دیدند. (یعنی: گفتند در اینجا انتقام می‌گیریم).

۲۶- و شما گمان بردید که دارای حلم و بردباری هستید. انسان جاهل به حلم و متانت مغرور می‌گردد و گمان می‌کند حلم دارد. و خیال کردید که از آنچه در روز بدر و حنین رخ داد، انتقام گرفتید.

۲۷- شما را امتحان کردیم و دیدیم که صادق نبودید، و آزمایش کردیم و شما را سست یافتیم. و [تلاش نمودیم] شما را به راه راست هدایت کنیم ولی شما غفلت کردید و در کار خود سرگردان شدید. نیت‌های شر شما در درونتان مخفی بود ولی بعد از واقعه عاشورا کنیه‌ها تان برملا گشت و آشکار شد.

۲۸- بعد از واقعه کربلا هیچ نسبتی بین ما نیست تا ما را به هم نزدیک و مهربان کند و مصلحی، صلح و دوستی بین ما را آرزو نمی‌کند. (دیگر بین ما صلح نیست و از هم جدا شدیم). ما از یک اصل و نسب بودیم و به دلیل واقعه کربلا که اتفاق افتاد، دیگر هیچ پیوندی بین ما نیست و حال آنکه چه بسیار گروه‌های متحد و همخون که اعتقادات و افکار و اندیشه‌ها آنها را از هم جدا می‌کند.

۲۹- در این روز سرهای بسیاری از بنی هاشم و عدنانیان و قحطانی‌ها به زیر کشیده شد. روزی که پایه‌های نیرنگ در دین را فرو ریخت. (دینی که بر پایه نیرنگ و نفاق بود، از بین برد).

۳۰- گمان کردید عملی را که مرتکب شده اید روزگار آن را فراموش می‌کند، هرگز آن را فراموش نخواهد کرد. و به حقیقت پاره‌ای از ظن و گمان‌ها از روی عجز و غفلت است. بعید است که قهرمانان و جنگجویان اجازه دهند خون اولاد (بچه‌های) فاطمه^(ص) به هدر رود.

۳۱- روز عاشورا آتشی را به پا نمود که خاموش نخواهد گشت، و گاهی اوقات آتش به رنگ دود است.

۳۲- (شهادت آن بزرگ مردان) برای دین مصیبت بزرگی بود که همانند آن وجود ندارد. (بی‌سابقه بوده است) درد و سوز این مصیبت از پوست گذشت و تا اعماق جان نفوذ کرد.

۳۳- کدام قلب است که غم شما را در خود جای دهد و اعضای آن از هم گسسته نگردد.

۳۴- چه خون‌ها که ریخته شد و چه جان‌ها که در کربلا از تنها جدا گشت، که همگی به پیامبر^(ص) تعلق داشت. و چه بسا از فرزندان بزرگوار و نور چشمان پیامبر که اسیر گشته و مورد ظلم واقع شدند. و چقدر برای پیامبر سخت و گران است که زنان وی مانند گله و کالا در بازار فروخته شوند.

۳۵- شما از روی جهل شاعر دین را شکستید و ندانستید که شکستگی دین قابل ترمیم نیست. عجا از ظلمی شدید که در قبر بر پیامبر^(ص) وارد آمد! گویا فراموش کرده اید، پیامبر^(ص) بود که شما را از چنگال کفری که گریبانگیرتان بودید، رهایی بخشید.

۳۶- کبوتران بر روی شاخه‌های نرم و متمایل، بر آنان گریه و نوحه سرایی می‌کنند. ای کبوتران! به نوای خود ادامه دهید؛ زیرا آواز شما شبیه گریه بر حسین^(ع) است.

۳۷- سر حسین را بر روی نیزه بالا بردند، سری که مانند نور بر بالای نیزه می‌درخشید. و بدن او را زیر سم اسب‌های تیز رو کوبیده و کبود شده است.

۳۸- به آه و ناله من گوش فرا ده زمانی که کشته شده‌های کربلا را به یاد می‌آورم، کسانی که اجسادشان طعمه گرگ‌ها و کرکس‌ها گشته است. بر زمین افتادگانی که یا با نیزه و یا با شمشیر کشته شده بودند. شهیدانی که مانند دانه‌های مروارید پاره شده بر روی زمین پراکنده بودند. و اجسادشان بر روی زمین مانند ستاره‌های بود که از آسمان فرو افتاده بودند.

۳۹- در این روز گروهی اسیر شده و با نیزه برده می‌شدند و گروهی هم کشته شده و به خاک و خون افتاده اند. و کسانی هم از ضربه نیزه‌ها و شمشیرها مجروح بودند. و گروهی طعمه وحوش و کرکسها گشته بودند.

۴۰- اگر چه آنان در این دشت پراکنده افتاده اند، ولی در بهشت برین گرد هم خواهند آمد و در جوار یکدیگرند. در آنجا بر متکاهای خود تکیه داده، جام شرابه‌های بهشتی در میان آنان چرخانده می‌شود. مردم بر حوض‌های آنان وارد می‌شوند، پیروان و دوستانشان از آن می‌نوشند و دشمنان از آن طرد می‌شوند.

۴۱- قلب مرا با بار حزن و اندوه شما که شب و روز به آن مشغول است، رها کنید. این اشک‌های من از چشمانم جاری نمی‌شود، بلکه از قلب محزون من سرچشمه می‌گیرد، و به [همین علت] به رنگ خون است.

۴۲- حادثه عاشورا ذره‌ای شادی و سرور در قلب من بر جای نگذاشت. این روز گریه و عزا است، پس بر این روز گریه و زاری کن. باید که در این روز قلبت را از شدت اندوه پاره کنی، در حالی که مردم به گریبان چاک کردن بسنده کرده اند.

۴۳- ای کاش اشک‌های جاری شده داغ این مصیبت و سوز درون را شفا می‌بخشید؟ (شفا نمی‌دهد). مصیبتی که صبر و شکیب خود را در مقابل شدت آن ناچیز و بی‌فایده می‌بینم. مصیبتی که سگینی‌اش بر من چنان است که گویا در طول عمر به سنگینی آن ندیده‌ام.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم

- نهج البلاغه

۱. آقا بزرگ طهرانی، محمد محسن. (۱۴۰۳ق). *الذریعة الی تصانیف الشیعة؛ المجلد الثالث، بیروت: دار الأضواء.*

۲. ابن خلکان، احمد ابن محمد. (۱۹۷۷م). *وفیات الأعیان وانباء الزمان؛ المجلد الثالث، بیروت: دار صادر.*

۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۳۷۶ق). *مناقب آل ابی طالب*؛ المجلد الرابع، الطبع الثاني، بیروت: دار الأضواء.
۶. ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۳۸۳ش). *لهوف*؛ ترجمه عقیقی بخشایشی، چاپ دوازدهم، قم: دفتر نشر نوید اسلام.
۵. امین، محسن. (۱۹۸۳م). *اعیان الشیعه*؛ المجلد الثامن، بیروت: دار التعارف.
۶. الامینی، عبد الحسین احمد. (۱۳۶۹ش). *الغدیر*؛ المجلد الرابع، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۷. پورنامداریان، تقی، (۱۳۷۴) *سفر در مه*؛ تاملی در سروده‌های احمد شاملو تهران، نشر زمستان.
۸. سبجانی، جعفر. (۱۳۸۹ش). *منشورات عقاید امامیه*؛ چاپ ششم، قم: مؤسسه امام صادق.
۹. الشیروانی، حیدر علی. (۱۴۱۴ق). *مناقب اهل البيت*؛ تصحیح محمد حسون، دون مکان: مطبعه المنشورات الاسلامیه.
۱۰. طباطبائی، محمد حسین. (۱۳۷۶ش). *تفسیر المیزان*؛ ترجمه محمدتقی مصباح یزدی، چاپ ششم، بی‌جا: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبائی.
۱۱. فلاح، ابراهیم، (زمستان ۱۳۹۰)، «بازتاب حماسه عاشورا در اشعار برخی از شعراي عصر عباسی»، مجله دانش نامه (ادبیات عرب)، شماره ۸۱، بی‌جا. ص ۱۴۵ - ۱۵۷.
۱۲. قرائتی، محسن. (۱۳۸۳ش). *تفسیر نور*؛ جلد سوم، چاپ هفتم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۳. گروه حدیث پژوهشکده باقر العلوم. (۱۳۸۱ش). *مقتل امام حسین*؛ ترجمه جواد محدثی، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۴. _____ (۱۴۱۶ق). *موسوعه کلمات الإمام حسین*؛ الطبعة الثالثة، قم: دار المعروف.
۱۵. مجلسی، محمد باقر. (۱۳۷۴ش). *بحار الانوار*؛ الطبعة الثالثة، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۶. محدثی، جواد. (۱۳۷۶ش). *فرهنگ عاشورا*؛ چاپ دوم، قم: نشر معروف.
۱۷. محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۷۷ش). *میزان الحکمه*؛ ترجمه حمید رضا شیخی، چاپ اول، قم: دارالحدیث.
۱۸. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۴ش). *حماسه حسینی*؛ چاپ چهل و هفتم، تهران: انتشارات صدرا.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۷۳ش). *تفسیر نمونه*؛ چاپ سوم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

فصلنامه لسان مبین (پژوهشی ادب عربی)
(علمی - پژوهشی)
سال ششم، دوره جدید، شماره هفدهم، پاییز ۱۳۹۳

دراسة المضامين العاشورائية في مرثي الشریف المرتضى*

رضا افخمی عقدا

أستاذ المساعد بجامعة یزد

وصال میمندي

أستاذ المساعد بجامعة یزد

محسن زمانی

طالب الدكتوراه في اللغة العربية و آدابها بجامعة یزد

الملخص

يعتبر الاتجاه نحو واقعة الطف واستشهاد الإمام الحسين (ع)، و الاهتمام بأحداثها ومعطياتها من أبرز خصائص شعر الشيعة في كل لغة؛ حيث استرعت هذه الحادثة المؤلمة، انتباه الشعراء لا سيما شعراء الشيعة منذ بدايتها. إنَّ الشریف المرتضى هو من أكبر الأدباء والمفكرين في العصر العباسي الثاني وقد سجّل في شعره جوانب مختلفة من هذه الواقعة المصيرية. يسعى هذا المقال أن يسلط الضوء على رؤية نظر هذا الفقيه الأديب حول هذه الواقعة المؤلمة ويكشف عنها، لذلك يتطرق إلى مفاهيم المرثي عند الشریف المرتضى - موزعة على اثني عشرة قصيدة - في واقعة الطف و يقوم بدراستها بمنهج تحليلي - وصفي مع الإتيان بالشواهد الشعرية وتحليلها؛ إذ لم يكن موقف الشاعر تجاه هذه المأساة المفجعة مجرد موقف عاطفي يهيج الأحاسيس والمشاعر بل جاء للدفاع عن مبادئ الفكر الشيعي والالتزام بها، وهو ما كان يطمح إليه الشاعر بالإضافة إلى اهتمامه العاطفي بهذه الحادثة، فيلقي جلّ اهتمامه بمسائل يراها تستحق الاهتمام مثل: مكانة أهل البيت (ع)، ودور حادثة عاشوراء في التاريخ خاصة في تاريخ الإسلام، وأسباب وقوعها، وغضب حقوق أهل البيت (ع)، وإثبات الولاية و الإمامة للسلطان الأصغر الحسين (ع) و إثبات أحقيته في الخلافة و

الكلمات الدليلية: الشریف المرتضى، أهل البيت، عاشوراء، الشعر الشيعي

تاريخ القبول: ۱۳۹۳/۰۲/۲۹

* - تاريخ الوصول: ۱۳۹۲/۱۰/۱۵

عنوان بريد الكاتب الإلكتروني: afkhami@yazd.ac.ir